

زندگی

تجربه حضور در مراسم ماه مبارک رمضان کنار شیعیان فعال فرانسه

شب‌های قدر پاریس چه می‌گذرد؟

فاطمه آشتیانی
نویسنده

قبل از هر چیز سال نورا خدمت خوانندگان این صفحات تبریک عرض می‌کنم. با آرزوی بهترین برکات در سال جدید برای همگی مان. اما بعد، در آستانه سومین هفته از ماه مبارک رمضان هستیم و فرصت زیادی تا پایان میهمانی خدا باقی نمانده است. هر چه تا الان توشه جمع کرده‌ایم را کناری بگذاریم و با قوتی مضاعف به استقبال روزهای بی نظیر پیش رو برویم. شب‌های قدر نزدیک است و درهای آسمان بازتر از هر وقت دیگری. دیر بچینیم فرصت تمام شده و ما بی نصیب مانده‌ایم. پس پیاله‌ها را بالا بگیریم و از این رحمت بی‌انتهای سرریزان کنیم؛ رحمتی که وسعت‌اش شرق و غرب عالم را فراگرفته است...

اینجا فرانسه است و شیعیان همچون سایر نقاط دنیا این سه شب بزرگ و عزیز را زنده می‌دارند. از آنچه در این شب‌ها دیده و شنیده‌ام در ادامه می‌خوانید.

نور خدا که وسعت‌اش همه آسمان‌ها و زمین است

کشوری مثل فرانسه که مذهبش «لامذهبی» است، احتمالاً نامش غلط‌انداز است برای اینکه بخواهیم از آن در مورد دین و شعائر حرف بزنیم. شاید تصور این باشد که مسلمانان در آنجا دست‌شان از برگزاری هرگونه مناسک کوتاه است، کما اینکه خود من هم پیش از اینکه این محیط را تجربه کنم همین‌طور فکر می‌کردم اما این تصور با واقعیت فاصله زیادی دارد. طبق آمار حدود ۱۰ درصد از جمعیت فرانسه را مسلمانان تشکیل می‌دهند، جمعیتی چند میلیون که دولت لائیک‌ی مثل فرانسه هم با وجود وضع قوانین سختگیرانه نمی‌تواند مانع از فعالیت‌های اجتماعی آنها شود. پس مثل هر جا دیگری در این عالم این نقطه از زمین هم از نور الهی بی‌نصیب نیست و مناسبات مذهبی در آن بزرگ‌داشته می‌شود. اگرچه شدت و ضعف می‌گیرد اما قطع نمی‌شود.

شهر فرنگ، از همه رنگ

در همین ضمیمه چندباری اشاره کرده‌ام که فرانسه و مشخصاً پاریس شهری هفتاد و دو ملت است. آن قدر که تنوع رنگ و نژاد و ملیت در آن زیاد است. حالا اگر همین نکته را در جمعیت مسلمان این کشور ضرب کنی نتیجه می‌شود یافتن انواع برنامه‌های مذهبی مناسب برای تمام سلیقه‌ها! اینجا شیعیان الجزایر و تونس برنامه‌های مناسبتی خودشان را برگزار می‌کنند، لبنانی‌ها برنامه‌های خودشان، همچنین ایرانی‌ها، افغانستانی‌ها و حتی شیعیان ماداگاسکار. خوان گرم باز می‌شود دیگر مرکز توجه من و پدرش نیست.

این روزها زیاد می‌شنویم که برای سحر فلان چیزها را بخورید یا این‌طور روزه‌تان را باز کنید و بسیاری توصیه‌های دیگر. اما راستش را بخواهید، برای هرکسی بسته به شرایط جسمی و عادات غذایی تمام این موارد متفاوت می‌شود.

گاهی هم افراد به نحوه‌های مختلف عذاب وجدان را جاشنی حرف‌هاشان می‌کنند که چرا اصلاً در این ماه آنقدر به سحری و افطار اهمیت می‌دهید، ماه رمضان ماه خودسازی و رشد روح و وجوه عرفانی‌ست.

من نمی‌گویم این‌طور نیست، یا این حرف‌ها غلط است. اما جسم و روح آدم به هم متصل است. اگر جسم ضعیف شود، روح هم ضعیف می‌شود و به هیچ‌کدام از آن اهداف تقویت روح و تذکیه نفس هم نمی‌رسد. همین می‌شود که بدخلقی، عصبانیت و زودرنجی بالا می‌گیرد. که گاهی شخص روزه‌دار حس می‌کند دنیا باید به خدمتش باشد و رعایتش را کند چون او روزه‌ست. من هم سال‌ها با شیوه‌های مختلفی برای گذران ماه مبارک درگیر بودم که برای من مناسب نبودند تا جایی که شیوه مناسب خودم را پیدا کردم. بی‌توجه به عذاب وجدان‌های اطرافیان راهی را پیش گرفتم که بتوانم از این ماه زیبا و پربرکت بیشترین استفاده را ببرم. و حالا که دختر بچه کوچکی دارم شرایطم با هر سال تفاوت می‌کند. من می‌دانم ارزش قرآن خواندن در این ماه چقدر زیاد است. اما در طول روز ترجیح می‌دهم با دخترم کومولون ببینم و شعر بخوانم و برقصم و در زمان‌هایی را که خواب است یا با پدرش مشغول است قرآن بخوانم. نمی‌خواهم دخترم فکر کند ماه رمضان که می‌شود دیگر مرکز توجه من و پدرش نیست. ما اغلب زمان روزمان را سرکار هستیم و دخترم مهدکودک، پس زمان‌هایی که باهمیم را باید صرف باهم بودن کنیم. من این‌طور حال بهتری دارم و تلاش می‌کنم دخترم هم حس بهتری داشته باشد. از آن طرف وقتی در طول روز می‌خواهد من را در خوراکی‌های پیش سهیم کند روزه را برایش توضیح می‌دهم. وقت افطار که می‌شود برای او هم آب‌جوش و خرما می‌گذارم که همراهان شود.

ماه مبارک که می‌رسد، زیاد درباره رفتارهای عبادی می‌شنویم و توصیه‌هایش را می‌بینیم. اما برای من مهم‌ترین کاری که تلاش می‌کنم در خودم رشد دهم و تقویتش کنم، مهربانی و صبوری است و برای اینکه بتوانم در این دو مورد آن‌طور که باید رفتار کنم، لازم است که افطار و سحری را درست و مفصل و کامل داشته باشم. بدون هیچ عذاب وجدانی، سفره افطار کامل می‌چینم و موقع اذان مغرب از اعماق قلبم خوشحال می‌شوم.



برای آنکه در این ماه، مهربان و صبور باشم لازم است که افطار و سحری را درست و مفصل و کامل داشته باشم. بدون هیچ عذاب وجدانی، سفره سحری و افطار کامل می‌چینم و موقع اذان مغرب از اعماق قلبم خوشحال می‌شوم.

است و کافی است اراده کنی تا هر شب جمعه میهمان یکی از این حسینیه‌های باصفا شوی. البته به دلایل سیاسی و حاکمیتی همه در حاشیه شهرند و نه در مرکز شهر مثلاً حسینیه بیت المهدی که برای الجزایری‌هاست در منطقه ایپنه تأسیس شده، مرکز اسلامی ایرانیان که مکان ثابتی ندارد و به جز مناسبت‌های محرم، فاطمیه و ماه رمضان باقی مراسم‌شان به‌صورت برخط برگزار می‌شود. انجمن‌الغدیر که منتسب به لبنانی‌هاست و در منطقه مونتروی و حسینیه محفل زینب که برای شیعیان ماداگاسکار است که در کورنو حاشیه شمال پاریس قرار گرفته است.

شب‌های رمضان پاریس کجا برویم؟

مثل کشور ما که مناسبت‌هایش در دو سال مجازی برگزار شده بود، اینجا هم از این قاعده مستثنی نبود. برنامه‌ها اینجا در آن ایام یا به‌طور کامل لغو شده بود یا به‌صورت مجازی برپا بود تا یک سال و نیم پیش که موانع یکی یکی برداشته و امکان برگزاری برای برنامه‌ها فراهم شد. سال گذشته اولین تجربه من برای شرکت در مراسم رمضان بود. انتخاب‌های من بر اساس موقعیت جغرافیایی حسینیه‌ها، غدیر، ایپنه و مرکز اسلامی ایرانیان پاریس بود. انجمن‌الغدیر و مرکز اسلامی که برنامه‌های حضوری‌شان را از نیمه رمضان شروع می‌کنند و بعد از آن هر شب تا پایان ماه مبارک رمضان ادامه دارد، بیت المهدی از اولین پنجشنبه‌های ماه برنامه‌هایش را آغاز می‌کند و از هفته بعدش به مدت سه شب یعنی چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه میزبان روزه‌داران می‌شود.

تجربه شیرین اقامه جمعی اعمال

اما محتوا و نحوه برگزاری برنامه‌های ماه مبارک رمضان. خب اذان مغرب در حال حاضر حوالی ساعت ۲۱ است که همین‌طور جلوتر هم می‌رود. تا قبل از اینکه ساعت‌ها را جلو بکشند، اذان مغرب زودتر بود و برنامه با نماز و افطار شروع می‌شد. بعد قرائت دعا و سخنرانی و پایان. اما حالا که اذان مغرب دیرتر شده است، برنامه از ساعت ۱۹ با دعا و سخنرانی شروع می‌شود و با نماز و افطار تمام می‌شود. در ایام شب‌های قدر هم برنامه ابتدایی همین است با این تفاوت که بعد از افطار اعمال مربوط به احیا شب‌های قدر بجا آورده می‌شود. در مرکز ایرانیان برنامه مشابه همان چیزی است که در ایران برگزار می‌کنیم. یعنی قرائت دعای جوشن کبیر، قرآن به سر گرفتن و سایر ماجرا. اما تجربه‌ام از شب‌های قدر در مرکز‌الغدیر تا حدی منحصر بفرود است. شروع مراسم احیا در آنجا با اقامه جمعی اعمال شب‌های قدر است. یعنی این‌طور که پشت بلندگو اعلام می‌کنند نماز مستحبی امشب دو رکعت است و به این نحو خوانده می‌شود. متناسب با زمانی تخمینی

با هر زبان که بخوانی دل می‌بری...

در ابتدای متن اشاره کردم که حسینیه‌ها به تناسب ملیت‌ها و نژاد تقسیم می‌شوند و طبیعتاً زبان برگزاری برنامه‌ها متناسب با زبان رسمی بانیان برگزاری آن است. سخنرانی و مداحی مراسم مرکز اسلامی به زبان فارسی است، غالب برنامه‌های مرکز‌الغدیر به زبان عربی اما برگزارکنندگان به‌منظور عدم ایجاد محدودیت برای سایر ملیت‌ها و استفاده همگانی از مراسم، بخش‌های مختلف برنامه را به‌صورت همزمان به زبان فرانسه ترجمه می‌کنند. در گوشه‌ای از سالن برنامه‌ها آتاقکی تعبیه شده که مترجم در آن قرار می‌گیرد و در لحظه صحبت‌های سخنران را برای شنوندگان غیر هم‌زبان ترجمه می‌کند. این‌طور عدم اشتراکات زبانی مانع از بهره‌مندی هیچ‌کس از فیض حضور در مراسم مذهبی نیست.

آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت...

پیش از آمدنم به فرانسه فکر نمی‌کردم بتوانم جایی را پیدا کنم که شب‌های قدر این بزرگترین و ارزشمندترین شب سال، که خدا بابتش قسم یاد کرده است و آن را عزیز و بلندمرتبه شمرده است، شبی که ارزش و منزلت‌ش به اندازه هزار شب است، او را در کنار دیگر بندگانش صدا بزنم و طلب عفو کنم. منی که سال‌ها در خیابان پنجم زیر ستاره‌های آسمان و در تاریکی شب احیا گرفته بودم و حالا شب‌های بی نظیر دیگری را کنار برادران و خواهرانم از دیگر ملیت‌های دنیا تجربه کرده‌ام. نور الهی هرگز در زمین خدا خاموش نمی‌شود، این ما هستیم که باید خودمان را به این قافله برسانیم. حتی شده با یک شمع کوچک. نور واحد است و شعاع‌هایش منتشر در اقصی نقاط زمین. به این عظمت بیکران متصل شویم...

